

عنوان مقاله:

آگامین و تحلیل ساختار قدرت

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 18، شماره 46 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

آزاد چیره - دانشجوی دکتری فلسفه، دانشگاه تبریز، ایران

محمود صوفیانی - استادیار، گروه فلسفه، دانشگاه تبریز، ایران

خلاصه مقاله:

در سنت فلسفه سیاسی غرب، دو دیدگاه عام درباره ماهیت قدرت وجود دارد، که می توان آن ها را رویکردهای استعلایی و درون ماندگار نامید. حاکمیت یا قدرت استعلایی، از بالا اعمال می شود و نوعی هستی و واقعیت جوهری برای قدرت قائل است که منشا مشروعیت می باشد. حکومت مندی یا قدرت درون ماندگار، از پایین و در سطح خرد ساختار های اجتماعی و سیاسی اعمال می شود و هر نوع خاستگاه استعلایی برای قدرت را رد می کند. از لحاظ تاریخی، هابز نماینده اصلی رویکرد اول و فوکو نماینده رویکرد دوم به قدرت هستند. به نظر آگامین، هر دوی این رویکردها ناقص و تک بعدی می باشند و توان ارائه یک نظریه منسجم درباره قدرت را ندارند. نقد های جدی فوکو به مدل حاکمیت، راه را برای تحلیل زیست-سیاسی قدرت که در سطح خرد اعمال می شود باز کرد، ولی فوکو در نشان دادن نحوه پیوند میان مدل های متفاوت قدرت و ارائه نظریه ای منسجم و واحد از قدرت شکست می خورد. آگامین سعی در پیوند دادن دوباره این سطوح در یک نظریه عام دارد. در این مقاله، می خواهیم نشان دهیم که به باور آگامین، اول اینکه ابعاد استعلایی و درون ماندگار، یا همان سطوح خرد و کلان قدرت، دو قطب مکمل یک ساختار واحد هستند و هر نظریه ای عام درباره قدرت باید درهم تنیدگی و نسبت این دو بعد را بررسی کند. دوم اینکه، نشان دهیم چگونه آگامین ریشه این ساختار دوبعدی قدرت را در الهیات مسیحی می جوید و پارادایم های الهیات سیاسی و الهیات اقتصادی را به ترتیب، ریشه نظریه های حاکمیت استعلایی و حکومت مندی درون ماندگار می داند.

کلمات کلیدی:

حاکمیت، حکومت مندی، الهیات سیاسی، الهیات اقتصادی، زیست-سیاست

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1965586>

